



بررسی حجیت خبر واحد در اثبات عقاید و احکام

پوهنمل عبدالعزيز نظری

دیپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنهی شرعیات پوهنتون بدخشان

a.nazari1441@gmail.com

<https://orcid.org/6286-2910-0008-009>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

در دین مبین اسلام قرآن کریم اولین مصدر تشریع است، سنت و احادیث پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- دومین مصدر تشریع بوده، که از آن احکام تشریعی استنباط می‌شود. صحابه - رضی الله عنهم - و علماء امت اسلامی -رحمة الله علیهم- در عرصه‌ی حفظ، فهم و دفاع از سنت رسول اکرم - صلی الله علیه و سلم - به عنوان دومین اصل تشریع و منبع قانون‌گذاری اسلامی تمام سعی خود را نموده و در راستای تبلیغ و ترویج سنت نبوی به نسل‌های بعد از خود، از هیچ نوع تلاشی دریغ نکرده‌اند. موضوع اخبار آحاد و استدلال به آن‌ها در عقاید و احکام، پیوسته در محراق توجه اصولیین و محدثین بوده و حجیت آن به‌دقت مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. حجیت خبر واحد و جایگاه آن در شریعت اسلامی به آیات قرآنی و احادیث نبوی مستند و ثابت بوده و در نزد جمهور علما نیز حجت‌پنداشته شده و در باب اثبات عقاید و احکام اسلامی استدلال به آن درست می‌باشد. هدف تحقیق حاضر، اثبات حجیت خبر واحد، و بیان صحت احتجاج به آن در عقاید و احکام می‌باشد. در تحقیق حاضر دو سوال مطرح بحث می‌باشد: شرایط صحیح بودن خبر واحد و دلایل حجیت آن کدام است؟ دوم این‌که آیا خبر واحد در باب اثبات احکام قابل احتجاج و استدلال هست و یا خیر؟ در این تحقیق، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و این مقاله با شیوه توصیفی مورد تحقیق قرار گرفته است. یافته‌ها و نتیجه تحقیق حاضر این است که سنت در حقیقت شرح قرآن است، قواعد کلی آن را توضیح می‌دهد، مجمل آن را روشن می‌سازد، و مختصر آن را مفصل، و مشکل آن را حل می‌نماید. خبر واحد، خبری است که تعداد راویان آن به تعداد راویان خبر متواتر نرسیده و همچنان شرایط حدیث متواتر در آن موجود نباشد. در صورت موجودیت شرایط، خبر واحد حجت بوده و احتجاج به آن صحیح می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اثبات، احکام، حجیت، خبر واحد، دین اسلام، عقاید، قرآن.

Examining the Authority of Āḥād Narrations in Establishing Doctrines and Legal Rulings

Author **Abdul Aziz Nazari**
 Email Department of Islamic Studies, Faculty of Sharia, Badakhshan University
 Orcid a.nazari1441@gmail.com
<https://orcid.org/6286-2910-0008-0009>

Abstract

In the noble religion of Islam, the Holy Qur'an constitutes the primary source of legislation, while the Sunnah and the traditions of the Prophet Muhammad (peace and blessings be upon him) serve as the second principal source from which legislative rulings are derived. The Companions (may Allah be pleased with them) and the scholars of the Muslim Ummah (may Allah have mercy on them) devoted their utmost efforts to preserving, understanding, and defending the Sunnah as the second foundation of Islamic law, transmitting and promoting it to subsequent generations. The issue of *akhbār al-āḥād* (solitary reports) and their use as evidence in matters of doctrine (*ʿaqīdah*) and legal rulings (*aḥkām*) has long been a central concern for scholars of *uṣūl al-fiqh* and *ḥadīth*, with its probative authority substantiated by Qur'anic verses and Prophetic traditions and affirmed by the majority of scholars. This study aims to affirm the probative status of solitary reports and clarify the validity of employing them as proof in doctrinal and legal contexts, focusing on their conditions for authenticity and the evidences for their authority. Adopting a library-based research method and a descriptive approach, the findings show that the Sunnah serves as an explanation of the Qur'an, elaborating its general principles, clarifying its concise statements, detailing its summaries, and resolving its ambiguities. A solitary report, defined as a narration whose number of transmitters does not reach that of *mutawātir* reports and which does not meet the criteria of *mutawātir ḥadīth*, is authoritative and valid as evidence in Islamic law and theology, provided that the necessary conditions are fulfilled.

Keywords: Proof, Legal Rulings, Authority (*hujjiyyah*), Solitary Report (*khbar al-wāḥid*), Islam, Doctrine, Qur'an.

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الَّذِي أَرْسَلَهُ رَبُّهُ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا، وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا. اما بعد:

همه ثنا و ستایش از آن خداوند متعال است؛ درود و سلام بر پیامبر اکرم-صلی الله علیه وسلم- حضرت محمد بن عبد الله و یاران با وفایش باد تا به روز رستاخیز. بدون شک سنت رسول الله- صلی الله علیه و سلم- برای بیان مطالب و معانی قرآن آمده است، چنانچه خداوند متعال می فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (النحل: ۴).

ترجمه: و قرآن را بر تو نازل کرده ایم تا این که چیزی را برای مردم بیان و روشن سازی که برای آنان فرستاده شده است و تا این که آنان بیندیشند.

همچنان خداوند متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ (المایده: ۶۷).

ترجمه: ای فرستاده (خدا، محمد مصطفی) هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است برسان.

در آیات فوق خداوند متعال دستور بسیار مهمی به پیامبرش-صلی الله علیه و سلم- می دهد و آن رسانیدن پیامی است که خدا بر او نازل نموده است، و این ابلاغ در اینجا شامل تبلیغ کتاب و بیان معانی و مفاهیم قرآن می باشد و نیز شامل عقاید و اعمال و احکام شرعی می باشد. سنت نبوی در حقیقت شرح قرآن است، قواعد کلی آن را توضیح می دهد، مجمل آن را روشن می سازد، و مختصر آن را مفصل، و مشکل آن را حل می کند. بدون شک فهم تمام احکام شریعت اسلامی، بدون قبول نمودن سنت رسول الله- صلی الله علیه و سلم- به عنوان مصدر دوم دین اسلام، غیر ممکن و محال است، لهذا دشمنان اسلام همیشه تلاش کرده اند تا اهداف شوم خود را از راه ایجاد شبهات در حجیت سنت بدست آورده و یکی از مصادر مهم دین اسلام را از ریشه هدف قرار داده از بین ببرند. آری؛ دشمنان دین مبین اسلام در طول تاریخ شبهه افکنی در مورد حجیت خبر واحد را از راه های گوناگون در نظر گرفته اند؛ از آن جمله اینکه برخی اوقات، ثبوت سنت رسول الله- صلی الله علیه و سلم- را انکار کرده و برخی اوقات مدعی شده اند که سنت، شامل مطالب و مفاهیم سطحی و حتی مخالف عقل و تجربیات و مشاهدات مسلم می باشد. از این رو حجیت سنت رسول الله- صلی الله علیه و سلم- را زیر سوال قرار داده و از آن انکار کرده و دیگران را هم چنان بر انکار حجیت سنت و خبر واحد ترغیب نموده اند. اما علماء امت اسلامی-رحمة الله علیهم- به منظور دفع شبهات دشمنان اسلام و منکرین سنت رسول الله-صلی الله علیه و سلم- تا جای توانسته اند

در مورد آن بحث کرده و هیچ کتاب اصول حدیث و اصول فقهی دیده نمی‌شود، مگر این که نویسندگان آن به اجمال یا به تفصیل به این موضوع پرداخته است. بی‌گمان بحث اخبار آحاد و حجیت آن یکی از بحث‌های اساسی در نزد اصولیین و محدثین بوده است که بیشتر علمای اصول حدیث و اصول فقه به شکل مفصل به این بحث در کتب خود پرداخته اند. بدین ملحوظ ایجاب می‌کند که این موضوع مورد تحقیق قرار گرفته، شرایط صحت خبر واحد، دلایل اثبات حجیت آن در پرتو آیات قرآنی و احادیث نبوی در قالب یک مقاله علمی ترتیب گردیده و در دست همگان قرار داده شود تا باشد که از آن استفاده خوب و بهره برداری بهتر صورت بگیرد.

تبیین مسأله

طوری که برای همه واضح و روشن است از نظر اهل سنت و جماعت سنت رسول الله -صلی الله علیه و سلم- با تمام انواع آن در صورت تثبیت و صحت آن دومین مصدر تشریع احکام اسلامی بوده و می‌باشد. اما در عصور گذشته و در عصر حاضر برخی از افراد و گروه‌های بوده و هستند که از حجیت سنت پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- مطلقاً و یا حد اقل از حجیت خبر واحد انکار نموده و برای اثبات نظر خود دلایل غیر منطقی و بی‌اساسی را مطرح کرده و بدان استدلال نموده و خواسته اند که در میان امت اسلامی شبهاتی را در مورد حجیت سنت و خبر واحد ایجاد و امت اسلامی را در برابر سنت رسول الله -صلی الله علیه و سلم- بی‌باور نمایند. بنابر این؛ نیاز است که در این مورد یک اثر علمی و اکادمیک هر چند کوتاه باشد تحریر گردد. تا باشد که در راستای دفاع از سنت پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- مؤثر و مفید قرار گرفته و بتواند شبهه‌پراکنی‌های منکران حدیث نبوی، شبهات مستشرقان و افراد متأثر از آن‌ها را باطل و مردود پنداشته و در اثبات حجیت سنت و اخبار واحد مفید و ممد باشد.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: آیا خبر واحد در حوزه اثبات عقاید و احکام اسلامی قابلیت احتجاج و استدلال دارد یا خیر؟

پرسش‌های فرعی

۱- حکم عمل به خبر واحد صحیح چیست؟

۲- آیا خبر واحد صحیح، مفید علم یقینی و ضروری هست یا خیر؟

۳- شرایط صحیح بودن خبر واحد چیست؟

۴- دلایل حجت بودن خبر واحد کدام‌ها اند؟

اهمیت تحقیق

بدون تردید، سنت و احادیث رسول اکرم- صلی الله علیه و سلم- به عنوان دومین مصدر از مصادر تشریع احکام اسلامی بوده که بعد از قرآن کریم، دومین مقام و منزلت قانون‌گذاری اسلام را به خود اختصاص داده است. در عصور گذشته و در عصر حاضر نظریات و دیدگاه‌های در مورد حجیت اخبار آحاد در باب عقاید و احکام مطرح شده و باعث گفتگو میان اهل علم قرار گرفته است، بدین ملحوظ تحقیق این موضوع و استفاده از آن در بسیاری از بحث‌ها نیاز شدید بوده، نیاز جمع‌آوری و بررسی دلایل حجیت خبر واحد و تعیین رای راجح در این مورد احساس می‌شود، هم‌چنان در عصر حاضر اختلافات جدی در میان نو‌اندیشان، منکران حجیت سنت و خبر واحد و مکاتب فکری دیگر معاصر در مورد این موضوع و تأثیر مستقیم این بحث در موضع‌گیری‌های برخی افراد و گروه‌ها نسبت به یکدیگر وجود دارد، پس می‌توان گفت تحقیق این عنوان به صورت علمی از اهمیت و یژه برخوردار بوده و ضرورت به تحقیق خاص داشته و دارد؛ تا باشد که در راستای اثبات حجیت خبر واحد با استناد به آیات و احادیث نبوی، اجماع و قیاس و در روشنی نظریات علما، مفید و ممد قرار گیرد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی: بررسی حجیت خبر واحد در باب اثبات عقاید و احکام.

اهداف فرعی:

- ۱- تعریف و تقسیم خبر واحد؛
- ۲- بیان شرایط صحت خبر واحد؛
- ۳- بیان دلایل حجیت خبر واحد.

پیشینه‌ی تحقیق

در ارتباط به حجیت خبر واحد برخی علما در کتاب‌های خود بحث و اشاراتی نموده اند، و راجع به آن مقالاتی به زبان عربی تحریر شده است، که چندین تایی آن قرار ذیل ذکر می‌گردد:

الف: انکار الاحتجاج بخبر الآحاد حقیقه و نقده، نویسنده: عبدالرحمن بن فهد صالح الصبحی؛

ب: تثبیت حجة خبر الواحد، نویسنده: احمد عادل الغریب؛

ج: حجة خبر الآحاد عند الاصولین، نویسنده: الدكتور / اسماء عبدالله محمد الموسی؛

د: حجة خبر الآحاد فی العقاید و الاحکام، نویسنده: الدكتور / محمد جمیل مبارک؛

در کتب و مقالات فوق الذکر، موضوع حجیت خبر واحد مورد بررسی قرار گرفته است، اما به زبان عربی، مغلق و پیچیده بوده که استفاده از آن‌ها برای نسل حاضر مشکل و دشوار می‌باشد. از این رو در تحقیق حاضر عنوان مذکور به صورت کوتاه، سهل و آسان و قابل فهم برای همگان و به

شیوه علمی به زبان دری نگارش یافته است تا باشد که در زمینه آگاهی از حجیت خبر واحد، شرایط صحت و چگونگی عمل به آن، برای همه‌ای مردم مفید واقع شود.

روش تحقیق

در مقاله حاضر از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی استفاده شده و موضوع با دلایل از قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - و نظریات علما مستند سازی شده است.

نتایج و یافته‌ها

تعریف و مفهوم خبر واحد: خبر در لغت، خبر: به معنای آگاهی، اعلان، گزارش بوده و جمع آن اخبار است (الفیروز آبادی، -۱۴۱۲ هـ. ق - ۲ / ۲۵ - ۲۶). خبر مفرد اخبار می‌باشد و گفته شده «أخبره بكذا»: (او را به فلان چیز خبر داد) یا (او را از فلان چیز آگاه کرد) «خبره بكذا»: (او را به فلان چیز خبر داد) یا (او را از فلان چیز آگاه کرد) (الرازی، -۱۴۱۵ هـ. ق - ۱: ۷۱).

علامه ابن حجر عسقلانی - رحمه الله - می‌گوید: وَخَبَرُ الْوَاحِدِ فِي اللُّغَةِ: مَا يَرْوِيهِ شَخْصٌ وَاحِدٌ. وَفِي الْأَصْطِلَاحِ: مَا لَمْ يَجْمَعْ شُرُوطُ التَّوَاتُرِ (ابن حجر، ۱۴۲۲ هـ. ق،: ۵۵). خبر واحد در لغت آن است که یک نفر آن را روایت نموده است. در اصطلاح: خبر واحد خبری است که به حد تواتر نرسیده و شروط تواتر در آن موجود نباشد (ابن حجر، ۱۴۲۲ هـ. ق،: ۵۵).

صاحب کتاب، المنار - رحمه الله - می‌گوید: خبر الواحد: و هو كل خبر يرويه الواحد أو الاثنان فصاعداً ولا عبرت للعدد فيه بعد ان يكون دون المشهور والمتواتر (ملا جیون، (ب ت): ۱۷۷). خبر واحد آن است که آن را یک نفر، یا دو نفر و یا بیشتر از دو نفر روایت نموده است، و هرگاه به حد متواتر و مشهور نرسیده باشد تعداد راوی در آن اعتبار ندارد.

از تعریف فوق افاده می‌شود که خبر واحد خبری است که تعداد راویان آن به تعداد راویان خبر متواتر نرسیده باشد، از این رو، اگر راوی خبر واحد حتی بیشتر از یک شخص هم باشد اما شرایط حدیث متواتر و مشهور را نداشته باشد، چنین حدیث خبر واحد گفته می‌شود. اما خبر واحد، در نزد اصولیین و محدثین اندک تفاوت دارد. اصولیین در تعریف خبر واحد، از شیوه امام شافعی - رحمه الله - تبعیت کرده اند، وی می‌گوید: خبر یک شخص از یک شخص تا به پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - یا به شخص پایین تر از پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - می‌رسد (الشافعی، ب ت: ۳۷۰ - ۳۶۹).

البته محدثین - رحمه الله علیهم - می‌گویند: خبر واحد خبری است که به حد تواتر نرسیده باشد و شامل حدیثی می‌شود که راویش یک نفر در طبقه اول و یا در همه‌ی طبقات باشد، یا راویش دو یا سه نفر یا بیشتر است ولی به حد تواتر نمی‌رسد و شامل مشهور، عزیز و غریب می‌باشد.

تقسیم اخبار به متواتر، مشهور و خبر واحد: علمای احناف-رحمة الله علیهم- اخبار

را به اعتبار اتصال آن به رسول الله- صلی الله علیه وسلم- به سه دسته قرار ذیل تقسیم نموده اند:

الف: متواتر؛

ب: مشهور؛

ج: خبر واحد (ترکمانی، ۱۴۴۲هـ ق - ۲۰۲۱م: ۲۱). جمهور محدثین -رحمة الله علیهم- اخبار را

به اعتبار اتصال آن به رسول الله- صلی الله علیه وسلم- به دو دسته قرار ذیل تقسیم نموده اند:

الف: خبر متواتر؛

ب: خبر واحد.

جمهور محدثین -رحمة الله علیهم- می گویند خبر واحد به سه نوع است: مشهور، عزیز و غریب (البغدادی، (ب ت): ۱۶). چون که موضوع بحث این تحقیق، حجیت خبر واحد است به تعریف و مسایل حدیث متواتر، مشهور، عزیز و غریب پرداخته نمی شود.

شروط صحت خبر واحد: از این که موضوع مورد بحث این تحقیق خبر واحد صحیح و حجیت آن می باشد، لازم است که اشاره‌ی مختصری به شروط صحت احادیث و اخبار آحاد در پرتو نظریات علما صورت بگیرد. شروط صحت خبر واحد به دو نوع تقسیم می شود، چهار شرط متعلق به راوی، و سه شرط متعلق به متن حدیث است، شروط متعلق به راوی قرار ذیل است:

الف: راوی باید عاقل و بالغ باشد؛

ب: راوی باید عادل باشد؛

ج: راوی باید مسلمان باشد؛

د: راوی باید دارای ضبط و حفظ قوی باشد (ملا جیون، (ب ت): ۱۷۷). بر مبنای شرایط فوق الذکر راوی باید مسلمان، عاقل و عادل بوده و دارای اخلاق متین و وجدان حساسی باشد که از خدا ترس داشته و هیچگونه تحریفی را نپذیرد؛ و نیز راوی باید فردی آگاه باشد که بتواند آنچه را می شنود، حفظ کند، سپس مطابق اصل آن را نقل نماید. صفات فوق باید به صورت پیوسته در سلسله‌ی راویان وجود داشته باشد. اگر صفات فوق الذکر، در یک راوی موجود نباشد، حدیث از درجه‌ی صحت و قایل قبول بودن ساقط می شود. بعد از آن که سند حدیث، مورد قبول قرار گرفت، متنی که توسط آن سند، نقل گردیده مورد بررسی قرار می گیرد، شروط متعلق به متن حدیث قرار ذیل است:

الف: اتصال سند به رسول الله- صلی الله علیه و سلم-؛

ب: نباید متن حدیث شاذ و منفرد باشد؛

ج: نباید متن حدیث، دارای علت و عیب قاذحه باشد.

شاذ بودن حدیث به این گفته می‌شود که یک راوی موثق در نقل خود با کسی که از او موثق تر است، مخالفت کند. و علت قادحه، هم عیبی است که محققان حدیث با بصیرت خاص خود، آن را درک و در نتیجه اصل روایت را رد می‌کنند.

دلایل حجیت خبر واحد: سنت و احادیث رسول الله - صلی الله علیه و سلم - به عنوان دومین مصدر تشریع احکام اسلامی یک امر مسلم و پذیرفته شده می‌باشد. حدیث دارای انواع مختلف بوده که یک نوع آن خبر واحد است، حجیت خبر واحد به آیات قرآنی، احادیث نبوی، اجماع و عقل و قیاس ثابت است که هر کدام قرار ذیل ذکر می‌گردد:

۱- دلایل قرآنی: در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که برخی آن صراحتاً و برخی آن اشارتاً به حجیت خبر واحد قرار ذیل دلالت دارند:

الف: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الحشر: ۷].

چیزهای را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجراء کنید، و از چیزهایی که شما را از آن بازداشته است، دست بکشید. از خدا بترسید که خدا عقوبت سختی دارد.

ب: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۲].

مؤمنان را نسزد که همگی بیرون بروند (و برای فراگرفتن معارف اسلامی عازم مراکز علمی اسلامی بشوند). باید که از هر قوم و قبیله‌ای، عده‌ای بروند تا با تعلیمات اسلامی آشنا گردند، و هنگامی که به سوی قوم و قبیله خود برگشتند (به تعلیم مردمان بپردازند و ارشادشان کنند و) آنان را (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسانند تا (خود را از عقاب و عذاب خدا برحذر دارند و از ضلالت خودداری کنند).

ج: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹].

ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیغمبر (خدا محمد مصطفی با تمسک به سنت او) اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید (مادام که مجری احکام شریعت اسلام باشند) و اگر در چیزی اختلاف داشتید آن را به خدا (با عرضه به قرآن) و پیغمبر او (با رجوع به سنت نبوی) برگردانید (تا در پرتو قرآن و سنت، حکم آن را بدانید. چرا که خدا قرآن را نازل، و پیغمبر آن را بیان و روشن داشته است) اگر به خدا و روز

رستاخیز ایمان دارید. این کار (یعنی رجوع به قرآن و سنت) برای شما بهتر و خوش فرجام تر است.

د: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (الأنفال: ۲۴).

ای مؤمنان! فرمان خدا را بپذیرید، و دستور پیغمبر او را قبول کنید هنگامی که شما را به چیزی دعوت کند که به شما زندگی بخشد، و بدانید که خداوند میان انسان و دل او جدائی می‌اندازد و بدانید که همگان در پیشگاه خدای سبحان گرد آورده می‌شوید (و به حساب و کتابتان رسیدگی می‌گردد).

ه: الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ [النحل: ۴۴]

و قرآن را بر تو نازل کرده ایم تا این که چیزی را برای مردم روشن سازی که برای آنان فرستاده شده است و تا این که آنان (قرآن را مطالعه کنند و درباره مطالب آن) بیندیشند.

و: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ يَطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا﴾ [النساء: ۸۰].

هر که از پیغمبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده است (چرا که پیغمبر جز به چیزی دستور نمی‌دهد که خدا بدان دستور داده باشد، و جز از چیزی نهی نمی‌کند که خدا از آن نهی کرده باشد) و هر که (به اوامر و نواهی تو) پشت کند (خودش مسؤول است) ما شما را به عنوان مراقب (احوال) و نگهبان (اعمال) آنان نفرستاده ایم (بلکه بر رسولان پیام باشد و بس).

ز: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾ [الحجرات: ۶].

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر شخص فاسقی خبری را به شما رسانید درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی، بدون آگاهی (از حال و احوالشان و شناخت راستین ایشان) آسیب برسانید، و از کرده خود پشیمان شوید.

ق: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلُونُ مِنْكُمْ لَوْأَدًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].

ای مؤمنان! دعوت پیغمبر را در میان خویش (برای اجتماع و شرکت در کارهای مهم) همسان دعوت برخی از خود بشمار نیاورید (چرا که فرمانش فرمان خدا و دعوتش دعوت پروردگار است). خداوند آگاه از کسانی است که در میان شما خویششان را می‌دزدند و پشت سر

دیگران خود را پنهان می‌دارند، آنان که با فرمان او مخالفت می‌کنند، باید از این بترسند که بلایی گریبانگیرشان گردد، یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود (اعم از قحطی و زلزله و دیگر مصائب دنیوی، و دوزخ و دیگر شکنجه های اخروی).

وجه دلالت آیات فوق: از آیات فوق الذکر به صراحت برداشت و افاده می‌شود که سنت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - دومین منبع و مصدر تشریع در دین مبین اسلام است. از این رو، طوری که از خداوند متعال اطاعت و پیروی واجب و لازم است، از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و سلم - نیز اطاعت لازم بوده و عمل به سنت و احادیث نبوی واجب می‌باشد.

۲- دلایلی از سنت: احادیث زیادی از پیامبر - صلی الله علیه و سلم - در مورد شأن و منزلت سنت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - و حجیت احادیث نبوی آمده است که چند حدیث به طور نمونه قرار ذیل ذکر می‌شود:

الف: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ شَيْئَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُمَا: كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّتِي" (حاکم، - ۱۴۱۱ هـ ق - ۱۹۹۰ م - ۱/ ۱۷۲).

ابوهریره -رضی الله عنه- می‌فرماید که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمودند: همانا من در میان شما دو چیز گذاشته‌ام که با وجود آن دو، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب الله و سنت من.

ب: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَبْرِ بْنِ مُطْعِمٍ، عَنْ أَبِيهِ (عدی)، قَالَ: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْخَيْفِ مِنْ مَنَى فَقَالَ: "نَصَرَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاها ثُمَّ أَذَاهَا إِلَى مَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا، فَوَزَّ حَامِلٌ فَقَهَّ لَا فَقَهَّ لَهُ وَزَّ حَامِلٌ فَقَهَّ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ" (طحاوی، - ۱۴۱۵ هـ ق، ۱۴۹۴ م - ۴/ ۲۸۲).

ترجمه: خداوند، شاد و باطراوت گرداند آن بنده‌ی را که سخن من را بشنود، سپس آن را حفظ نماید و آن را نگاه دارد و به دیگران برساند. چه بسا حاملین فقه که خود فقیه نی‌ستند و چه بسا حاملین فقه که فقه را به فقیه‌تر از خود می‌رسانند.

ج: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي (نسایوری، (ب ت ۴/ ۱۲۹)

هرکس از سنت من روی گرداند، از من نیست.

د: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: "لَا أَلْفِينَ أَحَدَكُمْ مُتَكِنًا عَلَى أَرِيكَتِهِ يَأْتِيهِ الْأَمْرُ مِنْ أَمْرِي مِمَّا أَمَرْتُ بِهِ أَوْ نَهَيْتُ عَنْهُ فَيَقُولُ: مَا أَدْرِي، مَا وَجَدْنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ اتَّبَعْنَاهُ" (ابن ماجه - ۱۴۳۰ هـ - ۲۰۰۹ م - ۱/ ۱۰).

عبید الله بن رافع از پدرش روایت کرده است که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمودند: «مبادا کسی از شما را بیابم در حالی که بر تختش تکیه کرده، دستوری از دستورات من را که در آن به

چیزی امر کرده ام یا از چیزی نهی کرده ام به او می‌رسد، بگویند: ما نمی‌دانیم آنچه را در قرآن پیامبر پیروی می‌کنیم.

ه: عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ مُعَاذًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى الْيَمَنِ، فَقَالَ: «ادْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِدَلِّكَ، فَأَعْلِمَهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِدَلِّكَ، فَأَعْلِمَهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً فِي أَمْوَالِهِمْ تُوْخَذُ مِنْ أَغْنِيَائِهِمْ وَتُرَدُّ عَلَى فَقَرَائِهِمْ» (بخاری، ۱۴۰۷ هـ ق - ۱۹۸۷ م - ۱۰۴/۲).

از عبد الله بن عباس -رضی الله عنهما- روایت است که نبی اکرم -صلی الله علیه وسلم- معاذ -رضی الله عنه- را به یمن فرستاد و فرمود: «اهل یمن را به توحید یعنی گواهی دادن به وحدانیت خداوند و رسالت من، فراخوان. اگر این را پذیرفتند، به آنان بگو: خداوند در شبانه روز، پنج نماز، بر آنها فرض گردانیده است. اگر نماز را هم پذیرفتند، به آنان بگو: خداوند زکات مال را بر آنها واجب کرده که از ثروتمندان آنها گرفته شده و به فقراى آنها برگردانیده شود.

وجه دلالت احادیث فوق: از احادیث فوق افاده می‌شود که پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- توصیه و تشویق به پیروی از سنت و حفظ آن کرده است، سنت پیامبر -صلی الله علیه وسلم- هم شامل اخبار نقل شده از ایشان است -متواتر و آحاد- و پیروی از همه‌ی این اخبار واجب است بدون آن که میان آنها فرقی قائل شد، وقتی خبر آحادی از پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- روایت می‌شود و صحت آن ثابت می‌گردد، واجب است از آن اطاعت شود و به آن عمل شود و به آن عقیده داشت، در غیر این صورت شخص دچار روی گردانی از سنت خواهد شد.

در سیرت عملی رسول الله -صلی الله علیه وسلم- خیلی موارد روی داده که افرادی را برای تبلیغ دین اسلام و احکام آن به نواحی، قبایل و سر زمین‌های مختلف می‌فرستاد و آنها آحاد بودند و خبرشان برای کسانی که می‌شنیدند مفید علم و عمل بود. هم‌چنان رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم-، حضرت ابوبکر صدیق -رضی الله عنه- را به عنوان امیر حج تعیین نمودن، حضرت معاذ -رضی الله عنه- را برای اخذ زکات و قضاوت کردن به یمن فرستاد و آنها همه‌شان افراد آحاد بودند (بخاری، ۱۴۰۷ هـ ق - ۱۹۸۷ م - ۱۰۴/۲). بنابراین؛ می‌توان گفت که خبر واحد هم در اثبات عقاید و هم در اثبات احکام حجت بوده و به آن احتیاج درست است.

هم‌چنین پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- نامه‌هایی را به کسری و قیصر و ... نوشت و توسط افراد آحاد برایشان فرستاد و در آن نامه‌ها رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- پادشاهان را همراه زبردستانشان ملزم به قبول پیام‌ها کرده بود (بخاری -۱۴۰۷ هـ ق - ۱۹۸۷ م - ۹/۸۶).

تا حال در تاریخ نوشته نشده که، افراد و اشخاصی را که پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - به طور آحاد فرستادند تا تبلیغ رسالتش را نمایند، به آن‌ها در جواب‌شان گفته باشند که ما سخن شما را قبول نداریم چرا که قول و سخن یک فرد است. بنابر این؛ می‌توان گفت که احادیث فوق بیانگر تثبیت حجیت خبر واحد بوده و نشان می‌دهد که پیروی از آن برای هر مسلمان لازم است، هر چند که برای آن نصی در قرآن نیابند، چون پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گاهی مسائلی را بیان کرده که در قرآن وجود نداشته اما درست نبوی وجود دارد.

۳- اجماع: صحابه و یاران پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - به اتفاق خبر وحد را حجت دانسته و به مضمون اخبار آحاد عمل می‌کردند، به طور نمونه، روایت شده که حضرت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - به خبر مغیره بن شعبه و محمد بن مسلمه در مورد میراث جده عمل کردند (ابن ماجه، - ۱۴۳۰ هـ - ۲۰۰۹ م - ۲/ ۹۰۹).

حضرت عمر - رضی الله عنه - به خبر عبدالرحمن بن عوف - رضی الله عنه - در دریافت جزیه عمل کردند. طوری که روایت شده است: عَنْ عُمَرُو بْنِ دِينَارٍ، أَنَّهُ سَمِعَ بَجَالَهٗ، يَقُولُ: وَلَمْ يَكُنْ عُمَرُ أَخَذَ الْجَزِيَّةَ مِنَ الْمَجُوسِ حَتَّى شَهِدَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخَذَهَا مِنْ مَجُوسٍ هَجَرَ (بخاری، - ۱۴۰۷ هـ ق - ۱۹۸۷ م - ۳/ ۱۱۵۱).

ترجمه: از عمر بن دینار روایت است که وی از بجاله شنیده که فرموده: که عمر - رضی الله عنه - از مجوس، جزیه نمی‌گرفت تا زمانی که عبد الرحمن بن عوف - رضی الله عنه - شهادت و گواهی داد که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از مجوس هجر، جزیه گرفت. (آنگاه عمر - رضی الله عنه - دستور داد تا از آن‌ها جزیه بگیرند).

صاحب المنار - رحمه الله تعالى - در مورد اجماع صحابه - رضی الله عنهم - مبنی بر حجیت خبر واحد می‌گوید: فَالْإِجْمَاعُ: هُوَ إِنْ الصَّحَابَةُ إِحْتَجُّوا بِأَخْبَارِ الْآحَادِ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ احْتَجَّ أَبُو بَكْرٍ عَلَى الْأَنْصَارِ بِقَوْلِهِ الْأَيْمَةُ مِنْ قُرَيْشٍ فَقَبِلُوهُ مِنْ غَيْرِ نَكِيرٍ. وَ هَكَذَا اجْمَعُوا عَلَى قَبُولِ خَبَرِ الْآحَادِ فِي طَهَارَةِ الْمَاءِ وَ نَجَاسَتِهِ (ملا جیون، (ب ت: ۱۷۸).

صحابه - رضی الله عنهم - در میان خود به اخبار آحاد احتجاج و استدلال نموده اند. طوری که ابوبکر - رضی الله عنه - در مورد انتخاب امام از قریش بر انصار استدلال نمود و ایشان استدلال وی را بدون انکار قبول کردند. هم‌چنان در باب طهارت آب و نجاست آن بر حجت بودن خبر واحد اجماع نموده اند.

همچنان محمد عبدالحی لکنوی هندی- رحمه الله- در کتاب خود(ظفر الامانی بشرح مختصر السید الشریف الجرجانی فی مصطلح الحدیث): اجماع صحابه- رضی الله عنهم- را مبنی بر حجیت خبر واحد نقل نموده است (لکنوی،-۱۴۱۶هـ ق :-۶۳).

علما و پیشوایان اسلام نیز بر حجت بودن خبر واحد اجماع دارند. طوری که امام شافعی- رحمه الله- این حقیقت را قرار ذیل بیان نموده و می‌فرماید: اگر برای کسی جایز باشد که در باره‌ی علم سنن- علم حدیث- حرف بزند، باید بداند که مسلمانان در قدیم و حال بر ثبوت خبر واحد و حجیت آن اجماع دارند (شافعی، (ب ت): ۴۵۷). البته باید تذکر داد که فقط معتزلی‌ها، جهمیه، روافض و خوارج خبر واحد را حجت قبول نکرده و احتجاج به آن را انکار نموده‌اند. و رنه ائمه‌ی سلف بر چنین طرز تفکری نبوده‌اند، بلکه ائمه و اسلاف برخلاف قول آن‌ها تصریح کرده‌اند و مسلمانان در گذشته و حال بر ثبوت خبر واحد و حجیت آن در باب اثبات عقاید و احکام اجماع نموده‌اند.

۴- عقل و قیاس: از این که در بسیاری از موارد احادیث متواتر وارد نشده و در بسیاری وقایع و حوادث حدیث متواتر و مشهور نیامده است. پس می‌توان گفت که عقل، قیاس و مصلحت چنین ایجاب می‌کند که هرگاه خبر واحد با شرایط صحیح به صحت برسد، در اثبات عقاید و احکام حجت بوده و به آن احتجاج و استدلال درست می‌باشد. طوری که حافظ شیخ احمد- رحمه الله- می‌گوید: وَ الْمَعْقُولُ هُوَ أَنَّ الْمُتَوَاتِرَ وَالْمَشْهُورَ لَا يُوجِدَانِ فِي كُلِّ حَادِثَةٍ فَلَوْ رَدَّ خَبَرَ الْوَاحِدِ فِيهَا لَعَظَلَّتِ الْأَحْكَامُ (ملا جیون، (ب ت): ۱۷۸).

ترجمه: از نظر عقل و منطق معلوم می‌شود که در همه حوادث و وقایع حدیث و مشهور وجود نداشته و ندارد، پس اگر خبر واحد رد شود، حجت و دلیل قرار نگیرد بسیاری از احکام معطل قرار می‌گیرند.

حکم عمل به اخبار آحاد: تمام علما اتفاق نظر دارند که سنت پیامبر اکرم- صلی الله علیه و سلم- به عنوان دومین مصدر تشریع احکام اسلامی بوده و می‌باشد. اکثریت سنت پیامبر اکرم- صلی الله علیه و سلم- شامل اخبار آحاد است، به همین دلیل حجیت سنت ارتباط تنگاتنگی با حجیت اخبار آحاد دارد، کسی که حجیت اخبار آحاد را انکار نماید، گویا که حجیت سنت را به طور کلی انکار و رد نماید. بعد از وفات پیامبر بزرگ اسلام- صلی الله علیه و سلم- هیچ فردی از اهل علم مخالف حجیت اخبار آحاد نبوده و دوران بر همین منوال سپری شده فقط در اواخر قرن اول و در آغاز قرن دوم معتزلی‌ها، جهمیه، روافض و خوارج خبر واحد را حجت ندانسته و احتجاج به آن را انکار نموده‌اند.

حافظ شیخ احمد مشهور به ملا جیون - رحمه الله - در مورد حکم عمل به خبر واحد می‌گوید: و هو یوجب العمل دون العلم یقین، بالکتاب و السنة و الإجماع و المعقول (ملا جیون، (ب ت): ۱۷۸). خبر واحد هر چند مفید علم یقنی نباشد واجب العمل بوده و به آن عمل نمودن بر اساس کتاب الله، سنت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - اجماع و معقول و قیاس ثابت و لازم است.

علامه نظام الدین - رحمه الله - صاحب اصول الشاشی می‌گوید: و هو یوجب العمل به فی الأحکام الشرعیة، بشرط إسلام الراوی و عدالته و ضبطه و عقله و اتصال بك ذلك من رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بهذا الشرط، (الشاشی، ۲۰۰۲م: ۲۸۰). خبر واحد در باب احکام شریعت موجب عمل است، مشروط بر این که راوی مسلمان، دارای عدالت، ضبط و عقل بوده و حدیث به رسول الله - صلی الله علیه و سلم - اتصال یافته و به حد مرفوع رسیده باشد.

علامه محمد عبدالحی لکنوی هندی - رحمه الله - در کتاب خود تحت عنوان: ظفر الأمانی بشرح مختصر السید الشریف الجرجانی فی مصطلح الحدیث، می‌گوید: و حکمه أنه یوجب العمل به ما لم یکن مخالفاً للکتاب و السنة، و لا یوجب العلم لوجود الشبهة فی طریقته. و أيضاً قال: «وَقَدْ ذَهَبَ الْجُمْهُورُ إِلَى جُوبِ الْعَمَلِ بِخَبَرِ الْوَاحِدِ، و أما إيجابه العمل فبالکتاب و السنة و الإجماع و القیاس» (لکنوی، - ۱۴۱۶هـ ق -: ۵۷-۵۸-۵۹). عمل به خبر واحد واجب است مشروط بر این که مخالف کتاب الله و سنت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - نباشد، و علم یقنی ایجاب نمی‌کند به دلیل این که در طریق اثبات آن شبه می‌باشد. هم‌چنان می‌فرماید که جمهور علما بر وجوب عمل به خبر واحد با استدلال به کتاب الله، سنت رسول الله - صلی الله علیه و سلم -، اجماع، قیاس و اتفاق نظر دارند.

اما برخی از علمای مالکی و حنفی - رحمه الله علیهم - علاوه بر شرط صحیح یا حسن بودن حدیث، شروط دیگری را نیز جهت عمل به احادیث آحاد در نظر گرفته اند. البته ناگفته نماند که تمامی مذاهب اجماع دارند بر اینکه حدیث آحاد حجت است و بر تمامی مسلمانان واجب است که به آن عمل کنند. البته علمای احناف - رحمه الله تعالی - علاوه بر شروط مذکور توسط جمهور که فقط شرط رسیدن حدیث به درجه‌ی صحیح و حسن را مبنای عمل به احادیث آحاد می‌دانند، شروط دیگری را نیز ذکر کرده اند، که در اینجا به اختصار مهم ترین آنها تذکر داده می‌شود:

- ۱- خبر واحد باید مخالف کتاب الله نباشد؛
- ۲- خبر واحد باید مخالف سنت ثابت نباشد؛
- ۳- خبر واحد باید مخالف اصول و قواعد کلیه شریعت اسلامی نباشد؛
- ۴- خبر واحد باید مخالف اجماع نباشد؛

۵- خبر واحد باید مخالف موجبات عقول نباشد؛

۶- سنت آحاد نباید متعلق به اموری باشد که وقوع آن زیاد است، زیرا چنین اموری (یعنی امورات کثیرالوقوع) لازمند تا از طریق سنت متواتر یا مشهور نقل شوند، پس اگر این امورات از طریق متواتر و مشهور نقل نشوند، بلکه نقل آن‌ها از طریق آحاد باشد، پس این دلالت بر عدم صحت حدیث دارد؛

۷- خبر واحد نباید مخالف قیاس صحیح و اصول و قواعد ثابت در شریعت باشد، و البته این حکم برای زمانی است که راوی حدیث فقیه نباشد، زیرا اگر چنین باشد ممکن است او حدیث را با معنی آن روایت کند نه لفظ آن، در این صورت قسمتی از معنای حدیث را حذف می‌کند. بنابراین لازمست جهت احتیاط - چنانکه حدیث مخالف با اصول عامه و قیاس صحیح باشد، آنرا نپذیرفت؛

۸- راوی حدیث آحاد نباید خود بر خلاف آن عمل نماید، زیرا عمل او (در ترک آن) دلیل بر نسخ آن یا وجود دلیل دیگری خواهد بود، یا بیان گر آنست که معنای حدیث بر خلاف مراد روایت شده است؛

۹- برخی صحابه- رضی الله عنه- با خبر واحد مخالفت نکرده و از احتجاج به آن خود داری ننموده باشند؛

۱۰- راوی حدیث آحاد به طور درست آن را حفظ نموده و به صورت دوامدار آن را ادا نماید (ترکمانی، ۱۴۴۲هـ ق - ۲۰۲۱م: ۱۴۲).

بنابر رای صحیح و راجح، مادامی که حدیث صحیح یا حسن بوده و شرایط آن تحقق پیدا کند، به عنوان یکی از مصادر شریعت و یکی از ادله‌ی احکام شرعی معتبر است و در احکام به آن عمل می‌شود.

حکم اثبات عقاید و احکام به خبر واحد صحیح: هرگاه خبر واحد صحیح بوده و از هرگونه معارضی خالی و سالم باشد در اثبات عقاید و احکام عمل به آن واجب است، چون عمل به حدیث لازمی آن چیزیست که از ظاهر قرآن در وجوب اطاعت از پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - و پیروی از تمامی آنچه که پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - در عقیده و احکام آورده است، افاده می‌شود، چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹]

ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیغمبر (خدا محمد مصطفی با تمسک به سنت او) اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید (مادام که مجری احکام شریعت اسلام باشند) و اگر در چیزی اختلاف داشتید آن را به خدا (با

عرضه به قرآن) و پیغمبر او (با رجوع به سنت نبوی) برگردانید (تا در پرتو قرآن و سنت، حکم آن را بدانید. چرا که خدا قرآن را نازل، و پیغمبر آن را بیان و روشن داشته است) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار (یعنی رجوع به قرآن و سنت) برای شما بهتر و خوش فرجام تر است.

ابن جریر طبری-رحمه الله- در تفسیر این آیه فوق می فرماید: که خداوند دستور به اطاعت خودش و اطاعت پیامبرش را داده، چون اطاعت از پیامبر اطاعت از خداوند است و اطاعت از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نیز توسط پیروی از سنتش - احادیث - حاصل می شود، و خداوند اطاعت از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را به طور کلی و عمومی بیان کرده و آن را مقید به چیزهای خاصی نکرده و تفکیکی در آن قائل نبوده است، (طبری، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م: ۷/۱۷۴). خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الحشر: ۷].

چیزهای را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجراء کنید، و از چیزهایی که شما را از آن بازداشته است، دست بکشید. از خدا بترسید که خدا عقوبت سختی دارد. خداوند متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (الأنفال: ۲۴).

ای مؤمنان! فرمان خدا را بپذیرید، و دستور پیغمبر او را قبول کنید هنگامی که شما را به چیزی دعوت کند که به شما زندگی بخشد، و بدانید که خداوند میان انسان و دل او جدائی می اندازد و بدانید که همگان در پیشگاه خدای سبحان گرد آورده می شوید (و به حساب و کتابتان رسیدگی می گردد).

خداوند متعال می فرماید: ﴿مَنْ يَطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ خَفِظًا﴾ [النساء: ۸۰].

هر که از پیغمبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده است و هر که (به اوامر و نواهی تو) پشت کند (خودش مسؤول است) ما شما را به عنوان مراقب (احوال) و نگهبان (اعمال) آنان نفرستاده ایم (بلکه بر رسولان پیام باشد و بس).

در آیات فوق خداوند متعال به پیروی از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - امر فرموده است و پیروی و اطاعت از ایشان نیز به طور عموم بیان شده و هی چگونه تخصیصی ندارد و اینگونه آیات در قرآن زیادند و در هیچ جایی خداوند متعال پیروی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را خاص احکام غیر از عقاید نکرده است. هم چنان بازگشت در حکم کردن به سوی خدا یعنی بازگشت به قرآن و بازگشت به سوی رسول الله - صلی الله علیه و سلم - یعنی بازگشت به سنت ایشان - بعد از وفاتش

- پس ظاهر قرآن و سنت بیانگر وجوب عمل به تمام آنچه که از پیامبر اکرم- صلی الله علیه وسلم - به طور صحیح ثابت شده باشد است، و فرقی بین عمل کردن به احادیث در احکام و یا در عقاید قایل نمی باشد.

ابن کثیر -رحمه الله- در تفسیر آیه فوق می گوید: مجاهد و اکثر سلف می گویند که منظور بازگشت به سوی قرآن و سنت می باشد، این امری از طرف خداوند است مبنی بر این که در هر چیزی - اصول دین و فروع دین - که انسان ها دچار نزاع و اختلاف شدند به سوی قرآن و سنت بازگردانند و کتاب و سنت بر هر چیزی حکم کردند، آن حکم حق و حجت می باشد و بعد از حق هم غیر از گمراهی وجود ندارد، (ابن کثیر، ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹ م، ۲: ۳۴۵). جمهور علما می گویند: هرگاه خبر واحد صحیح و سالم باشد و به اثبات برسد، حکم آن عقاید و احکام را شامل می شود، (ابن عبد البر، ۱۳۸۷ هـ ق، ۱: ۸).

علامه شنقیطی -رحمه الله - می گوید: آنچه که به تحقیق ثابت شده و عدول از آن جایز نیست، این است که اخبار آحاد در اصول و فروع به یک اندازه قابل قبولند و عدم قبول آن ها مستلزم رد روایات صحیح ثابت شده از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است، (شنقیطی (ب ت): ۱۰۵).

نتیجه گیری

بعد از تحقیق و بررسی مقاله حاضر نتایج مهم و اساسی بدست آمده که نکات بارز آن قرار ذیل است: اخبار آحاد، به احادیثی گفته می شود که یک یا دو نفر از یک یا دو نفر روایت کرده اند تا سلسله سند آن به رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - برسد. به عبارت دیگر، اخبار آحاد، به احادیثی گفته می شود که تعداد روایانش به حد متواتر نرسیده باشد.

از بررسی دلایل حجیت خبر واحد چنین افاده می شود که خداوند متعال مسلمانان را به پذیرفتن اخبار آحاد و روایات ملزم ساخته است. زیرا آنچه که واجب بدون آن انجام نمی شود، واجب است. قبول نمودن اخبار آحاد برای شناخت احکام قرآن، لازم و ضروری است. چرا که شناخت ناسخ و منسوخ و... در قرآن کریم، وابسته به مراجعه به سنت و احادیث نبوی می باشد.

قرآن کریم مشتمل بر اصول دین و قواعد احکام اسلامی است که برخی از آن ها در قرآن کریم، به صراحت بیان شده و بیان برخی احکام دیگر به پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - تفویض شده است. از این رو، اطاعت از پیامبر خدا- صلی الله علیه وسلم - واجب می باشد، احادیث نبوی و اخبار آحاد حجت بوده و به آن عمل نمودن واجب است.

هرگاه نمایندگان و مأموران رسول الله -صلی الله علیه وسلم- پیغام رسول الله در هر منطقه ی می - رسانیدند از طرف مسلمانان آنجا به کدام مشکلی مواجه نشدند و تمام سخنان آن ها را پذیرفته و قبول می کردند.

از بررسی شرایط صحت خبر واحد و دلایل حجیت آن معلوم می‌شود که، هرگاه شرایط صحت خبر واحد متحقق شود، خبر واحد حجت بوده، در باب اثبات عقاید و احکام به آن احتجاج و استدلال صورت گرفته گرفت می‌تواند.

منابع

قرآن کریم

ابن عبدالبر، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر القرطبي (١٣٨٧ هـ) التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، تحقيق: مصطفى بن أحمد العلوي، محمد عبد الكبير البكري، مكان النشر، المغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية.

ابن كثر، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م) المحقق: سامي بن محمد سلامة، الطبعة: الثانية، مكان النشر (-): دار طيبة للنشر والتوزيع.

ابن ماجه، محمد بن يزيد القزويني (١٤٣٠ هـ ق) سنن ابن ماجه، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمد كامل قره بللي - عبد اللطيف حرز الله، الطبعة: الأولى، محل النشر: (-) دار الرسالة العالمية.

بخاری، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي، (١٤٠٧ هـ ق - ١٩٨٧ م) صحيح البخاري، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، الطبعة الثالثة، بيروت، دار ابن كثير، اليمامة.

بغدادی، أبو بكر أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي الخطيب (-) الكفاية في علم الرواية، المدينة المنورة: المكتبة العلمية.

ترکمانی، عبدالمجید، (١٤٤٢ هـ ق) المدخل الى اصول الحديث على منهج الحنفية، عمان الاردن: دار الرياحين.

حاکم، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (١٤١١ هـ ق - ١٩٩٠ م) المستدرک علی الصحیحین، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الطبعة: الأولى، بيروت: دار الكتب العلمية.

رازی، محمد بن ابی بکر عبدالقادر (١٤١٥ هـ ق) مختار الصحاح، تحقيق: محمود خاطر، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون.

شاشی، نظام الدين، (٢٠٠٢ م) اصول الشاشی، الطبعة: الثانية، كراچی باكستان: مكتبة البشري، مكان. شافعي، محمد بن ادريس، (-) الرسالة، تحقيق: أحمد محمد شاكر، بيروت: دار الكتب العلمية.

شنقيطي، محمد الأمين بن المختار (-) مذكرة أصول الفقه، على روضة الناظر للعلامة ابن قدامة رحمه الله، الطعة: (-)، مكان النشر: (-).

طبری، محمد بن جریر بن یزید أبو جعفر الطبری (۱۴۲۲ هـ ق) جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق: الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي، الطبعة: الأولى، مدينة المنورة: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان.

طحاوی، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك المصري (۱۴۱۵ هـ ق، ۱۴۹۴ م) شرح مشکل الآثار، محقق: شعيب الأرناؤوط، الطبعة: الأولى، مكان النشر: (-): مؤسسة الرسالة.

عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن حجر (۱۴۲۲ هـ)، نزهة النظر فی توضیح نخبة الفكر فی مصطلح أهل الأثر، المحقق: عبد الله بن ضيف الله الرحيلي، الطبعة: الأولى. الرياض: مطبعة سفير.

فیروزآبادی، مجدّد الدین، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۲ هـ. ق) القاموس المحيط، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

لکنوی، الشیخ محمد عبدالحی، (۱۴۱۶ هـ ق) ظفر الامانی بشرح مختصر السید الشریف الجرجانی فی مصطلح الحديث، الطبعة: الثالثة، حلب، دمشق: مكتب المطبوعات الاسلامية.
ملا جیون، شیخ احمد المعروف به ملا جیون (-) نور الانوار، پشاور پاکستان: دار الاخلاص.
نیسابوری، أبو الحسین مسلم بن الحجاج (-) صحیح مسلم، بیروت: دار الجیل.